

Humorous representation of love patterns in the poetry of Abolfazl Zaruie Nasrabad*

Dr. Ebrahim Zaheri¹

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shahrekord University

Abstract

The way love is expressed, like other emotions, is influenced by cultural factors. As the culture begins to change, attitudes toward love and the way it is expressed change too. In Iran, following the advent of modernity and the formation of new norms and values, attitudes toward love changed, and this led to the formation of different patterns about it. In order to identify these changes and patterns, poetry, especially humorous poetry, plays an important role. In this research, an attempt is made to study the subject of love in Zaruie's poems with a documentary method and to answer the questions 'what patterns of love are represented in this poet's work?' and 'what is the poet's attitude toward it?' The results show that modern, traditional and distilled love patterns are used in Zaruie's poetry. To describe modern love, Zaruie has used the conceptual metaphor of "modern love as a commodity", which shows the effect of consumption on the attitude toward love in the Iranian society. The presentation of love in various models, its portability and transferability, the lack of commitment in romantic relationships and the desire for diversity in love are the most important features of modern love in Zaruie's poetry. This satirical poet has pointed out some of the shortcomings involved, such as a morbid attachment to the beloved and a bitter end.

Keywords: Boalfazl Zaruie, Humor, Modern love, Traditional love, Distilled love.

* Date of receiving: 2020/12/2

Date of final accepting: 2021/9/20

1 - email of responsible writer: zaheri@sku.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و سوم، بهار ۱۴۰۱، شماره ۵۲

صفحات ۱۰۰-۷۳

DOR: [20.1001.1.17359589.1401.23.52.3.8](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1401.23.52.3.8)

بازنمایی طنزآمیز گونه‌های عشق در شعر ابوالفضل زرویی نصرآباد*

(مقاله پژوهشی)

دکتر ابراهیم ظاهری عبده‌وند^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

شیوه بیان و تفسیر عشق، مانند دیگر احساسات و هیجان‌ها، متأثر از عوامل فرهنگی است و با تغییر و تحول در فرهنگ، نگرش به عشق و شیوه بروز آن نیز تغییر می‌کند. در ایران، در پی آشنایی با مدرنیته (=تجدد) و شکل‌گیری هنجارها و ارزش‌های جدید، نگرش‌ها درباره عشق، دستخوش تغییر و این امر، موجب شکل‌گیری نگرش‌های متفاوتی درباره آن شد. برای شناخت این تغییرات و الگوها، مطالعه و بررسی شعر و بویژه، شعر طنز، نقش بسزایی دارد. بر این اساس، در این پژوهش، کوشش می‌شود موضوع عشق، در اشعار شاعر طنزپرداز معاصر، زرویی نصرآباد (۱۳۴۸-۱۳۹۷)، با روش اسنادی و بر مبنای رویکرد تاریخی جامعه‌شناسانی چون گیدنز (Giddens) و باومن (Bauman) بررسی و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که در شعر این شاعر، چه گونه‌هایی از عشق بازنمایی شده و شاعر چه نگرشی به آنها داشته است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد از نظر زرویی، سه گونه عشق سنتی، مدرن و تقطیری، در جامعه ایرانی وجود داشته است. این شاعر طنزپرداز، ضمن نگاه مثبت به عشق سنتی، به برخی از نقایص آن مانند دل‌بستگی بیمارگونه داشتن به معشوق و داشتن پایان تلخ اشاره کرده است. زرویی، برای توصیف عشق مدرن، از استعاره مفهومی «عشق مدرن، به مثابه کالااست» استفاده کرده است که این امر، نشان از تأثیر مؤلفه مصرف‌گرایی، بر نگرش به عشق در جامعه ایرانی و بازتاب آن در شعر این شاعر دارد. عرضه عشق در مدل‌های رنگارنگ، قابل عرضه و انتقال بودن آن، نداشتن تعهد در رابطه عاشقانه و تنوع‌طلبی در عشق، از مهم‌ترین ویژگی‌های عشق مدرن در شعر زرویی هستند. از نظر وی، عشق تقطیری، یعنی تلفیق ویژگی‌های

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: zaheri@sku.ac.ir

مثبت عشق سنتی و مدرن نیز از آنجا که دوام بیشتری نسبت به عشق مدرن دارد، می‌تواند مبنای ازدواج قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: ابوالفضل زرویی، طنز، عشق، کالایی‌شدن، استعاره مفهومی.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

احساسات، مخلوقات فرهنگی دانسته شده‌اند؛ زیرا هنجارهای فرهنگی بر تحریک، اظهار و تفسیر احساسات تأثیر می‌گذارند. الگوهای فرهنگی، به گونه‌ای بر مردم یک جامعه تأثیر می‌گذارند که آنان، روی احساسات خود کار می‌کنند تا آن دسته از احساساتی را که تصور می‌کنند باید در جامعه بروز دهند، در خود پیروانند. نقش‌هایی که مردم بازی می‌کنند و هویت‌هایی که در تعاملات اجتماعی برای خود در نظر می‌گیرند، تعیین می‌کند در موقعیت‌های مختلف چه احساساتی باید نمایش داده شود (ربانی‌خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۹؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

در دوره معاصر، رفتارهای هیجانی و احساسی در ایران، تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفت -چه از نظر شیوه نشان‌دادن رفتارهای هیجانی و احساسی و چه از نظر مفهوم‌شناسی و جلوه‌های آن؛ به گونه‌ای که برخی از تسلط ساختار احساسات متجدد بر فرهنگ احساسات ایرانی سخن می‌گویند: «امروزی شدن یا تجدد، چارچوب مسلط در جامعه ماست؛ از این رو، می‌توانیم بگوییم ساختار احساسات مسلط، همان ساختار احساسات متجدد یا امروزی شده است» (فاضلی، ۱۳۹۷: ۲۱).

عشق از جمله این عواطف و احساسات بود که در ایران، از دوره قاجار، متأثر از تغییرات فرهنگی و اجتماعی، دستخوش تغییر شد. در فرهنگ سنتی ایرانی-اسلامی که آن را فرهنگ عشق نامیده‌اند (نامورمطلق، ۱۳۹۸: ۳۴)، عشق عرفانی و عشق جسمانی، دو جلوه مهم عشق بودند که در عشق عرفانی، معشوق مظهر زیبایی و بی‌نیازی بود و

عاشق، خود را در مقابل قدرت نامتناهی او ذره‌ای بیش نمی‌دانست (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۸۳) و در عشق‌های جسمانی، هدف گاهی هوسرانی بود و گاهی عشق عذری و پاک (باباصفری، ۱۳۹۲: ۱۱). در این فرهنگ، معمولاً عشق مبنای ازدواج قرار نمی‌گرفت و نگاه به عاشق‌شدن دختر و پسر نامطلوب بود (دهقانی، ۱۳۷۷: ۸۲)؛ اما در دوره معاصر، در ایران متأثر از مدرنیته و تغییرات فرهنگی به وجود آمده، گرایش به عشق عرفانی کم‌رنگ و عشق، بیشتر زمینی شد؛ عشق مبنای ازدواج قرار گرفت و خانواده، کانونی شد برای ارضای نیازهای عاطفی افراد (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۴). همچنین در بسیاری از روابط عاشقانه، تعهد دائمی دیده نمی‌شود؛ عشق به سرعت شکل می‌گیرد و سریع نیز از هم می‌پاشد؛ دل‌بستگی به یک معشوق دیده نمی‌شود و عشق همچون کالاهای مصرفی و مُد روز، در قالب‌های تازه و رنگارنگ در بازار عشق عرضه می‌شود.

این ویژگی‌ها نشان از بحران در روابط عاشقانه دارد که متأثر از اندیشه‌های غربی بر فرهنگ ایرانی است. «بحران عمیق روابط عاطفی که در فرهنگ‌های اروپایی و آمریکایی ایجاد شد، به سرزمین‌های شرق و ایران گسترش و تسری یافت؛ بحرانی که از جهاتی در فرهنگ معاصر ایران تشدید شده است؛ زیرا ساختارهای کنترل اجتماعی و قانون لازم را آن‌گونه که در کشورهای غربی هست، ندارد؛ ولی آن آسیب‌ها را دریافت کرده است» (نامورمطلق، ۱۳۹۸: ۳۴).

با توجه به بحران‌های به وجود آمده در این زمینه، بررسی موضوع عشق‌شناسی اهمیت بسیار یافته است که به نظر می‌رسد اشعار فارسی در این زمینه، می‌توانند راهگشا باشند -بویژه، اشعار طنزآمیز که در آنها، مسائل و مشکلات روز جامعه با رویکردی انتقادی برجسته شده است. شاعران در این اشعار، کوشیده‌اند تصویری از مفهوم‌شناسی عشق در جامعه ایرانی ترسیم و نگرش‌های خود را به این موضوع، به عنوان گروهی از اندیشمندان جامعه بازتاب دهند.

ابوالفضل زرویی نصرآباد، از شاعرانی است که با زبانی طنزآمیز به مسأله عشق پرداخته و نگرش‌های مختلف مربوط به آن را در اشعار خود بازتاب داده است. هدف این پژوهش نیز بررسی این موضوع در شعر این شاعر طنزپرداز، بر مبنای روش اسنادی با رویکرد توصیفی و تحلیلی است و به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که: در شعر وی، چه گونه‌هایی از عشق بازتاب یافته؟ این شاعر، چه رویکردی به آنها داشته است؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های مهم درباره عشق در ادبیات فارسی، تا کنون، پژوهش مستقلی درباره عشق در شعر زرویی نصرآباد، انجام نشده است.

دهستانی‌بافقی در پایان‌نامه «ساختار زبانی و محتوایی کتاب رفوزه‌ها از ابوالفضل زرویی نصرآباد» (۱۳۹۴) و حدادی در پایان‌نامه «بررسی و مقایسه مضامین طنز منظوم ابوالقاسم حالت، ابوالفضل زرویی و اکبر اکسیر» (۱۳۹۳)، بدون توجه به موضوع عشق، به بررسی مسائلی چون شگردهای طنز و محتوای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در اشعار زرویی نصرآباد پرداخته‌اند. شیخی در پایان‌نامه «بررسی طنز دهه ۸۰ با تکیه بر آثار کیومرث صابری، عمران صلاحی، ابوالفضل زرویی و اکبر اکسیر» (۱۳۹۶) و پریدل در پایان‌نامه «بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام، ابوالفضل زرویی نصرآباد و خلیل جوادی» (۱۳۹۱) ذیل عنوان‌های خانواده، عشق‌ورزیدن و انتقاد از عشق‌های امروزی، اشاره‌های کوتاهی به موضوع عشق در شعر زرویی کرده و بیشتر نمونه شعری آورده‌اند تا این‌که به تحلیل موضوع پردازند.

پوردهقان‌اردکان و همکاران در مقاله «سبک‌شناسی نقیضه در آثار طنز زرویی نصرآباد» (۱۳۹۸) پس از بررسی نقیضه‌های زرویی نصرآباد به این نتیجه رسیده‌اند که نقیضه، ویژگی سبکی شعر زرویی است و این شاعر، برای بیان انتقادهای سیاسی و اجتماعی، انتقال افکار خود و بیان سخن مؤثر، از این شگرد استفاده کرده است.

همچنین پوردهقان‌اردکان و همکاران در مقاله‌ای دیگر با عنوان «سبک‌شناسی آثار طنز ابوالفضل زرویی نصرآباد» (۱۳۹۹) دریافته‌اند که زرویی نصرآباد به دلیل ممارست و داشتن استعداد طنز و بیش از سه دهه فعالیت در این نوع ادبی، صاحب سبکی شخصی شده است. پراکنده و همکاران در مقاله «شیوه‌های طنزپردازی ابوالفضل زرویی نصرآباد در روزه‌ها» (۱۳۹۹)، به این نتیجه دست یافته‌اند که زرویی با استفاده از شیوه‌هایی مانند ستایش اغراق‌آمیز، تشبیه انسان به حیوان، تقلید خنده‌دار از شعر دیگران، استفاده از زبان محاوره، بازی با کلمات، طعنه، کنایه، کمک‌گرفتن از وزن و فضا‌های خالی در شعر، اندیشه‌های خود را بیان کرده است.

گفتنی است درباره موضوع عشق در ادبیات فارسی و بویژه در شعر معاصر، پژوهش‌هایی انجام شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

شفیعی‌کدکنی در کتاب «ادوار شعر فارسی» (۱۳۸۰)، به تفاوت سیمای معشوق در ادبیات کلاسیک و معاصر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که برخلاف شعر کلاسیک، در شعر معاصر، معشوق دیگر شکلی خیالی و موهوم ندارد؛ روابط بین عاشق و معشوق عادی است و معشوق، معشوقی است که با عاشق، در کافه می‌نشیند و قرار روز آینده را می‌گذارد.

مختاری در کتاب «هفتاد سال عاشقانه» (۱۳۸۹) ضمن بررسی عشق در شعر شاعران کهن مانند فرخی، فخرالدین اسعد گرگانی، سعدی، نظامی و مولانا، درباره عشق در شعر معاصر می‌نویسد: «شعر معاصر در برآیند گرایش و چشم‌انداز خود نه عشق را به اجزاء و نمودهایی مجزاً تجزیه و نه وجود آدمی را به اجزایی مغایر با هم تقسیم می‌کند. کل هستی انسان را یک واحد تفکیک‌ناپذیر می‌شناسد. همه نیروهای او را مرتبط با هم و مؤثر در هم می‌داند که در وحدت خود، در عرصه شعر و عشق بروز و ظهور می‌یابد» (مختاری، ۱۳۸۹: ۲۳).

زارع‌جیرهنده و پیروز در مقاله «جلوه‌هایی از عشق مدرن در شعر رمانتیک معاصر» (۱۳۹۶)، برخورد طبیعی با عشق و معشوق، روی آوردن به معشوق طبیعی، توجه به معشوق درونی (اثیری و افسانه‌ای)، نقد عشق کهن، اروتیسم، عقده عشق، صراحت گفتار در عشق‌ورزی به مرد، مغالزه با طبیعت، عشق آزاد و توهم معشوق را، از جمله جلوه‌های عشق در شعر نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و نادر نادریپور دانسته‌اند.

شادرو و همکاران در مقاله «ریشه‌های اجتماعی تحول مفهوم عشق در شعر ایران بررسی جامعه‌شناختی تحول مفهوم عشق در نه دفتر عاشقانه دهه ۸۰» (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم عشق در شعر کلاسیک و شاعران جوان امروز ایران، تنها یک لفظ مشترک است و بین آنها تفاوت محتوایی بسیار دیده می‌شود.

۲- چارچوب نظری پژوهش

جامعه‌شناسان از جمله گروه‌هایی هستند که با رویکردهای مختلف به بررسی موضوع عشق پرداخته‌اند؛ چنانکه در رویکرد ساختاری به عشق، عشق به مثابه یکی از پیامدهای ساختاری جوامع دیده می‌شود؛ برای مثال گود، عشق را رابطه عاطفی می‌داند و از نظر او، در جوامع مختلف، به صورت‌های گوناگونی به عشق نگاه می‌کنند؛ مثلاً جوامع غربی عشق افلاطونی را پذیرفته‌اند و در جوامع آسیایی به این نوع عشق، توجه چندانی نشده است و عشق، به سبب وجود روابط پدرسالار، مبنای ازدواج قرار نمی‌گیرد؛ پس جوانان نباید عاشق شوند.

در رویکرد برساخت فرهنگی به عشق، چرخش به سوی فرهنگ است و بر موضوع‌هایی مانند عشق، صمیمیت و مراقبت تمرکز می‌شود. در رویکرد نابرابری اجتماعی، جامعه‌شناسان به تداوم ذاتی نابرابری در تجربه عشق در جامعه اشاره دارند و عشق را به شکل یک ایدئولوژی می‌بینند که زنان را اسیر می‌کند و از ابزار ظریف محبت، برای حفظ قدرت در خانواده استفاده می‌شود. در رویکرد تاریخی به عشق، جامعه‌شناسان بر تغییرات

اجتماعی و جنبش‌هایی تأکید دارند که موجب شکل‌گیری، تجربه و ابراز عشق در فرهنگ می‌شوند (قیصریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۴).

در این پژوهش، با توجه به دیدگاه گیدنز و باومن، به عنوان دو نظریه‌پرداز با رویکرد تاریخی، موضوع عشق در اشعار زرویی نصرآباد بررسی می‌شود. گیدنز نشان می‌دهد عشق یک برساخت اجتماعی است که به صورت تاریخی، تکامل یافته و سه دوره اصلی از صورت‌بندی عشق قابل تشخیص است: یکی عشق شورانگیز قرون وسطایی که از سویی، با جنون و گسست از روابط عادی اجتماعی مربوط می‌شود و از سوی دیگر، در قالب عشق عرفانی به مسیح و مریم باکره، اوجی استعلایی پیدا می‌کند. این اشکال عشق، امری اشرافی بود که مادینه‌ای می‌توانست از ازدواج با عاشقش خودداری کند.

در این دوره، خانواده گسترده، فاقد ارتباط خصوصی میان زن و شوهر بود. در قرن هجدهم، عشق رمانتیک شکل گرفت که در آن، بیشتر بر خاص بودن و یگانگی معشوق در چشم عاشق تأکید می‌شد. این نوع عشق، موجب شکل‌گیری خانواده‌های کوچک و مستحکم جدید گردید. در این نوع، نگاهی آرمانگرایانه در مورد زیبایی و ارزشمندی وجود داشت. سومین گونه، عشق سیال دوران مدرن است. در این نوع، تعهد عمرانه و سخت‌گیرانه عشق رمانتیک دیده نمی‌شود و افراد منکر ضرورت پایداری در روابط صمیمانه هستند. همچنین تمایز مؤکد میان دو جنس انکار می‌شود و عشق بر یک زن یا یک مرد منحصر نمی‌گردد (وکیلی، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۴).

باومن (Bauman) نیز معتقد است که جهان مدرن، جهانی عقلانی‌شده، محاسبه‌گر و افسون‌زدایی شده است که در آن روابط عاشقانه، به شکلی سست، موقتی، غیرقابل اعتماد و کالایی‌شده تعریف می‌شوند و نوعی ناپایداری در عشق، تحت پیامدهای مخرب مدرنیته بر انسان در جامعه کنونی حاکم است (قیصریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰-۶۳). از نظر وی، در دوران مدرن، در روابط بین افراد بویژه روابط عاشقانه، تعهدی وجود ندارد و تأکید بر این که وعده تعهد در بلندمدت، بی‌معنی است. مثل دیگر سرمایه‌گذاری‌ها،

تعهدات هم طلوع و افول دارند. اگر فرد مایل به ایجاد ارتباط است، باید فاصله خود را حفظ کند. برای احساس رضایت از رابطه، نباید تعهد داده و گرفته شود. در واقع همیشه، همه درها باید باز باشند (باومن، ۱۳۹۲: ۱۴).

۳- بحث و بررسی

در شعر زرویی، سه گونه عشق نمود یافته است: الف) عشق سنتی؛ ب) عشق مدرن و ج) عشق تقطیری (=التقاطی) (بنابر نام‌گذاری خود شاعر)؛ یعنی ترکیب عشق سنتی و مدرن. در شعر این شاعر، از عشق رمانتیک در تقسیم‌بندی گیدنز، به صورت یک نمونه مستقل نام برده نشده و از این نوع عشق، به عنوان جزئی از عشق سنتی سخن رفته است. در مقابل، با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه ایرانی، عشق ترکیبی مطرح شده است. در جامعه توصیف شده در شعر زرویی، برخلاف دوران پیشامدرن که عشق سنتی رایج بود، برخی از افراد، نگرش سنتی به عشق دارند، برخی بر اساس نگرش‌های مدرن عمل می‌کنند و گروهی دیگر به رابطه دیالکتیکی و ترکیبی در این زمینه معتقد هستند.

در واقع تصویری که زرویی، از رویکرد مربوط به عشق در جامعه ایرانی بازتاب می‌دهد، نشان از رویکرد تفریدی دارد: «در این رویکرد، جوامع می‌توانند هم سنتی باشند و هم متجدد» (غفاری و ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۳: ۳۱۴). در زمینه عشق نیز از نظر زرویی، جامعه ایرانی چنین است. در ادامه به بررسی بازنمایی طنزآمیز این سه گونه عشق، در شعر این شاعر پرداخته می‌شود:

۳-۱- عشق سنتی

در فرهنگ سنتی ایرانی، عشق مبنای انتخاب همسر نبود، به خانواده به عنوان جایگاهی برای برطرف کردن نیازهای عاطفی نگریسته نمی‌شد و به دلایلی از همسر، ستایش به عمل

نمی‌آمد (ستاری، ۱۳۸۸: ۱۳۷). بیان نوستالژیک توصیف عشق سنتی و بازتاب «خوب-نمایی» آن در برخی از اشعار، نشان می‌دهد که زرویی گرایش مثبت، به برخی از ویژگی‌های عشق سنتی داشته؛ چنانکه در نمونه زیر از ویژگی دل‌بستگی به یک معشوق داشتن، به عنوان یک خصوصیت مثبت عشق سنتی که باومن نیز به آن اشاره نموده، یاد کرده است:

تو هر دلی یه عشق موندگار آدم که بیشتر از یه دل نداره
یه چیز می‌گم، ایشالاً دلخور نشین قربون اون دلای تک سرنشین
(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

یا در اشعار زیر، صفت‌های ظرافت، کرشمه و ساده را به عنوان صفت‌های مثبت، در فرهنگ عشق‌ورزی سنتی برجسته کرده است:

کجا شد اون ظرافت و کرشمه نگاه دزدکی کنار چشمه؟
کجا شد اون به شونه تکیه کردن کنار جوی آب گریه کردن؟
دلای بی‌افاده یادش به خیر دخترکای ساده یادش به خیر
(همان: ۱۹۶)

زرویی بر این باور است که در عشق سنتی، افراد با تمام وجود، عاشق می‌شوند و حجب و حیای بسیار دارند:

وقتی طرف تو کوچه پیدا می‌شه توی دلت یه باره غوغا می‌شه
آرزوهات خیلی دورن انگاری توی دلت، رخت می‌شورن انگاری
صدای قلبت اون قدر بلنده که دلبرت می‌شنوه و می‌خنده
دین و مرام و اعتقادات می‌ره اون‌که می‌خواستی بگی، یادت می‌ره
می‌خوای بگی عاشقتم عزیزم می‌گی که: من عاعاعا، چی چیزم!
(همان: ۱۹۲)

با این حال، دیدن نقایصی در عشق سنتی، سبب شده است تا وی به انتقاد از این نوع عشق بپردازد. وی معتقد است که برخی از عشق‌های سنتی، مانند ماشین کهنه هستند

که نه تنها از آنها نمی‌توان استفاده کرد، بلکه انسان را نابود می‌کنند. در واقع زرویی از این نوع عشق‌ها، تقدس‌زدایی می‌کند و بر این باور است که زندگی افراد، نباید فدای این چنین عشق‌هایی شود. استفاده از کنایه به خاک سیاه نشان دادن و ادعای یکسان‌سازی بین عشق عتیق با ماشین کهنه، در طنزآمیز کردن شعر وی نقش عمده‌ای داشته‌اند:

پسرم، عشق دست و پاگیر است	مثل ماشین کهنه جاگیر است
ریشه‌دار است و وقت‌گیر و عمیق	بالاخص عشق‌های عهد عتیق
در زمانی دراز یا کوتاه	می‌نشانند تو را به خاک سیاه

(همان: ۳۶۳)

در برخی از عشق‌ها، نوعی وابستگی دیده می‌شود که از آن با نام «وابستگی بیمارگونه یک فرد به دیگری» سخن گفته شده است (راپاپورت، ۱۳۹۸: ۲۳۳). از نظر زرویی، برخی از عشق‌های سنتی نیز مانند عشق مجنون به لیلی، از این نوع هستند و این نوع عشق‌های شورانگیز سنتی، سبب می‌شوند فرد از زندگی عادی اجتماعی خود فاصله بگیرد. استفاده از واژه‌های خل و چل، برای توصیف این نوع عشق، نگرش انتقادی شاعر را در این زمینه نشان می‌دهد:

چون شود چرخهٔ بلا کامل	پسر بی‌نوا شود خل و چل
گرچه بیهوده می‌کشند ستم	این دو آخر نمی‌رسند به هم
گر که تلخ است یا که غمگین است	آخر عشق سنتی این است

(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۳۵۸)

پایان ناخوش و تلخ عشق‌های سنتی نیز مورد انتقاد زرویی قرار گرفته است و وی از مخاطب خود می‌خواهد برای دور کردن جوانان از عاشق‌شدن، پایان عشق‌های سنتی را به آنان گوشزد کند:

تو ولی غیرمستقیم، بگو	قصه از دورهٔ قدیم بگو
قصه از عاشقان بدفرجام	که سر آخر نمی‌رسند به کام

تا زند قید عاشقی از بیخ مویش از نام عشق، گردد سیخ
(همان: ۳۴۴)

زرویی بر این باور است که برخی از قصه‌های عاشقانه سنتی، بدآموزی دارند، جوانان نمی‌توانند با آنها ارتباط برقرار کنند و آنها را نمی‌فهمند؛ بنابراین، این گونه قصه‌های عاشقانه، نمی‌توانند نقش الگو را برای جوانان در دوران معاصر داشته باشند:

... لیک دیدم که قصه‌های قدیم به پسر، سخت می‌شود تفهیم
همگی کهنه است و دیروزی بدتر از این، پُر از بدآموزی
که در این یک، پس [پسر] به ناسازی می‌زند خویش را به خل‌بازی
و اندر آن، یک جوان یک دنده بی‌خودی رفته کوه را کنده
(همان: ۳۴۹)

از دیگر نقاط ضعف مربوط به عشق در جامعه سنتی، این است که عشق را گناه می‌دانند. زرویی با تشبیه عشق از نگاه عوام به بیماری‌هایی چون سوزاک، هاری و یبس مزاج، نگاه انتقادی خود را به این موضوع نشان داده است:

پسرم عشق در میان عوام عملی مجرمانه است و حرام
وانگهی مسری است و روز افزون مثل سوزاک و هاری و طاعون
هست دردی عجیب و سخت علاج مثل قانقاریا و یبس مزاج
(همان: ۳۵۳)

زرویی درباره ازدواج‌های سنتی نیز بیان می‌کند که عشق جایگاهی نداشت. پدر، دختری را برای پسرش خواستگاری می‌کرد که گاهی ممکن بود پسر و دختر تا هنگام عروسی، یکدیگر را نبینند. بعد از ازدواج بود که عشق نیز با گذشت زمان بین آن دو شکل می‌گرفت:

آخرالامر می‌کند بابا
دختری را به میل خویش پدر
پسرک هم بدون چون و چرا
جه بسا مرد و زن که تا آن روز
عشق و احساس هم ولو با زور
خود به خود جور می‌شود به مرور
همان: (۳۶۲)

در نگرش سنتی اگر پیش از ازدواج، عشقی بین دختر و پسر شکل می‌گرفت، خانواده‌ها بویژه خانواده دختر، با آن مخالفت می‌کردند و بدین ترتیب، عشق فرجامی تلخ می‌یافت:

پاره‌ای کارهای نامعقول
پسری آتشی مزاج اغلب
دختری نودمیده را دیده
پسر از طبع پرتلاطم خویش
شده مانند قیس یا وامق
این وسط والدین آن دو جوان
غالباً خانواده دختر
هست در عشق سنتی معمول
به لب چشمه یا که در مکتب
دخترک هم به عشوه خندیده
رفته گردو شکسته با دم خویش
نه که یک دل هزار دل عاشق
مطلع می‌شوند از جریان
می‌نهد چوب لای چرخ پسر
همان: (۳۵۷-۳۵۸)

۳-۲- بازتاب عشق سیال مدرن در شعر زرویی

در پی آشنایی با مدرنیته، تلقی ایرانیان از عشق تغییر کرد؛ چنانکه عشق به همسر مطرح شد و مبنای ازدواج قرار گرفت (عبدی، ۱۳۹۳: ۸۹). همچنین بسیاری از ویژگی‌های عشق مدرن که گیدنز و باومن به آنها اشاره کرده‌اند - بویژه ناپایداری روابط عاشقانه و نداشتن تعهد - در فرهنگ ایرانی رایج شد.

زرویی نیز معتقد است که در پی آشنایی با مدرنیته، نوع نگاه به عشق و همچنین تعهد در روابط عاشقانه تغییر کرد:

گذشت دوره‌ای که «ما» یکی بود خدا و عشق آدمای یکی بود
(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۹۵)

و عشق از سادگی و اصالت سنتی و شرقی آن دور و متأثر از فرهنگ غرب، دچار تصنع شد:

تو کوچه‌های غربی صناعت کجا شد اون ظرافت و کرشمه
عشغو گرفتن از شما جماعت نگاه دزدکی کنار چشمه
تو قلب هیشکی عشق بی‌ریا نیست حجب و حیا تو چشم آدمای نیست
کشته دلبرند و ارتباطش فقط برای برخی از نکاطش!
پرنده پر، کلاغه پر، صفا پر صداقت از وجود آدمای پر
(همان: ۱۹۶)

بر این اساس می‌توان گفت که زرویی از این دوران، به عنوان دوران رکود عشق یاد کرده است:

من از رکود عشق در خروشم اگر دروغ می‌گم، بزن تو گوشم
ما توی صحبت رک و راستیم داداش عشق آگه اینه، ما نخواستیم داداش
(همان)

او با زبانی طنزآمیز، از ویژگی‌های عشق سیال مدرن سخن گفته است که در ادامه، مهم‌ترین این ویژگی‌ها در شعر وی بررسی می‌شود.

۳-۲-۱- کالایی شدن عشق

از ویژگی‌های برشمرده شده برای احساسات و هیجان‌ها در دوران مدرنیته، کالایی شدن آنهاست؛ بدین معنی که احساسات، به کالا تبدیل شده‌اند و ویژگی‌های کالاهای تجاری را یافته‌اند (آقابابایی و کیانپور، ۱۳۹۵: ۲۲). در دوران مدرن، به احساسات به عنوان یک

کالای مصرفی نگاه می‌کنند که قابل خرید و فروش است و مانند کالا، می‌توان آن را با نوع جدید تغییر داد. «در صورت خرابی یا کاملاً رضایت‌بخش نبودن کالاها، می‌توان آنها را با کالاهایی دیگر که احتمالاً رضایت‌بخش‌ترند، عوض کرد، حتی اگر خدمات پس از فروش وجود نداشته باشد؛ ولی حتی اگر این کالاها به وعده خود وفا کنند، نمی‌توان انتظار داشت به مدت طولانی از آنها استفاده شود.

از همه اینها گذشته، به محض این که سر و کله مدل‌های جدید و بهتر اتوموبیل‌ها، کامپیوترها یا تلفن‌های همراه در مغازه‌ها پیدا می‌شود و اینها، نقل تمامی مجالس می‌شوند، مدل‌های قبلی را با اندکی تأسف یا بدون هیچ تأسفی دور می‌اندازند - حتی اگر کاملاً، قابل استفاده و مرتب و منظم باشند. چرا شراکت‌ها [روابط عاشقانه] این‌گونه نباشند» (باومن، ۱۳۹۲: ۳۶).

زرویی، بر این باور است که متأثر از مدرنیته، در بخشی از جامعه ایرانی، نگرش به احساسات، مانند نگاه به اشیاء و کالاها شده و بویژه عشق، ماهیتی شیء‌انگارانه و کالاگونه یافته است. حاصل این نگرش در شعر زرویی، به وجود آمدن این استعاره مفهومی است که «عشق‌ورزی بازار و عشق، کالای مصرفی است». تنوع‌طلبی، قابلیت معامله پیدا کردن عشق، داشتن تاریخ مصرف، ارائه آن در مدل‌ها و رنگ‌های مختلف و کم‌هزینه بودن، از جمله ویژگی‌هایی هستند که زرویی برای عشق مدرن مطرح کرده است.

۳-۲-۱-۱- تنوع‌طلبی در عشق

از تأثیرات فرهنگ مصرف‌گرایی بر فرهنگ عشق‌ورزی، تمایل به تنوع‌طلبی است. در جوامع مصرف‌گرا، تمایل به مد، نوحواهی، تغییر و تنوع، بسیار زیاد است؛ بنابراین افراد همواره به دنبال این هستند که از کالاهای تازه، استفاده کنند. زرویی نیز در توصیف

فرهنگ عشق‌ورزی، به این امر اشاره می‌کند؛ این که عاشقان هر لحظه به دنبال معشوق-های تازه و مد روز هستند و بر این اساس، استعاره مفهومی «عشق، کالایی دارای تنوع است» شکل می‌گیرد.

برای نمونه، در شعر زیر، زرویی از زبانِ راویِ عاشق، فهرستی از نام معشوق‌های رنگارنگ خود را بر می‌شمرد؛ همان‌گونه که فردی از پوشاک یا دیگر وسایل مصرفی متنوع خود سخن می‌گوید. در این اشعار، اغراق در نام‌بردن از اسامی معشوق‌ها و صفت-های آنان، شعر را طنزآمیز کرده است:

گذاشته روی میز من، یه پوشه	که اسم‌های عشق‌های بنده توشه
زری، پری، سکینه، زهره، سارا	وجیهه و ملیحه و ثریا
نگین و نازی و شهین و نسرین	مهین و مهری و پرند و پروین
چهارده فرشته و سه اختر	دو لیلی و سه اشرف و دو آذر
سفید و سبزه، گندمی و زاغی	بلوند و قهوه‌ای و پر کلاغی
هزار خانمند توی این لیست	با عده‌ای که اسم‌شون یادم نیست

(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۹۵)

به سبب این معشوق‌های فراوان، دیگر قلب عاشق جایی برای معشوق جدید ندارد؛ بنابراین عاشق، مجبور است نام معشوق جدید را بیرون از قلبش و روی آن بنویسد. این توصیف از قلب عاشق، تداعی‌کننده اشیا‌یی مانند کمد لباس افراد مدگراست که پر از پوشاک گوناگون شده است.

شاعر برای طنزآمیزکردن شعر خود، از شگرد کوچک‌سازی استفاده کرده است. «کوچک‌کردن اندازه‌چیزی است به طوری که مضحک و خنده‌دار جلوه کند» (حری، ۱۳۸۷: ۷۱). شاعر با کوچک و محقر جلوه‌دادن قلب عاشق که بویژه در نگرش سنتی از نظر معنوی و عرفانی جایگاه والایی داشت، شیوه عشق‌ورزی مدرن را به باد انتقاد گرفته است:

ز بس که رفته عشق توی قلبم نوشتم اسمتونو روی قلبم
(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۹۳)

۳-۲-۱-۲- نداشتن تعهد در رابطه عاشقانه

از جمله پیامدهای تنوع‌طلبی و نوحواهی در زمینه عشق‌ورزی، یکی این است که افراد خیلی سریع کالای مصرفی خود را تغییر می‌دهند و به یک چیز دل نمی‌بندند. زرویی این ویژگی را در روابط عاشقانه نیز می‌بیند. عاشق چندان دل‌بسته یک معشوق نیست و عمر روابط عاشقانه، یک شب بیشتر نمی‌پاید. بر این مبنا استعاره مفهومی «عشق کالایی است که باید سریع آن را تغییر داد»، در شعر او شکل گرفته است:

این روزا عمر عاشقی دو روزه ایشالا پیر عاشقی بسوزه
بلا به دور از این دلای عاشق که جمعه عاشقند و شنبه فارغ
(همان: ۱۹۵)

همان‌گونه که افراد با پرسه‌زدن در خیابان، کالاهای جذاب و مد روز را با نظراندختنی انتخاب می‌کنند، عاشقان نیز در مجالس مختلف با یک دیدن عاشق می‌شوند:

یکی از عشق‌های عصر جدید که فراگیر و مسری است و شدید
عشق ناغافل است و یکباره که کند چرت شخص را پاره
در عزا یا که جشن و مهمانی یا که در پرسه‌ای خیابانی
(همان: ۳۶۵)

پس از خرید، فرد مدت کوتاهی شیفته کالای خریداری شده می‌شود. به چنین دل‌بستگی نیز بین عاشق و معشوق در شعر زرویی اشاره شده و استفاده از ترکیبات و واژه‌هایی مانند دوقلوی به هم نجسبیده و نم‌نمک، فضای شعر وی را طنزآمیز، صمیمی و خودمانی کرده است:

روز و شب با همنند و پیچیده دوقلوی به هم نچسبیده
می‌شود عشق این دو یار ایاغ نم نمک گرم و پرحرارت و داغ
(همان: ۳۶۶)

فرد پس از مدتی، از کالای خریداری شده، دلزده می‌شود و آن را کنار می‌گذارد؛
عشق شکل گرفته نیز بدین گونه، بدون دلیل سرد می‌شود:

مدتی بعد از آن، بدون دلیل عشقشان می‌شود به یخ تبدیل
(همان: ۳۶۶)

زرویی با تشبیه زودگذر بودن این نوع عشق به شیوه استفاده از دستمال کاغذی که
پس از مصرف، آن را باید دور انداخت، نگاه طنزآمیز خود را به این موضوع نشان داده
است:

حیف از این عشق‌های ناب و لطیف که علی‌رغم رنگ و روی لطیف
به دهان نارسیده منقضی‌اند عین‌هوی دستمال کاغذی‌اند
(همان: ۳۶۶)

دستمال کاغذی، کاربردی یکبار مصرف دارد که تشبیه عشق به آن، این وجه شباهت
را می‌رساند. باومن درباره این جنبه از عشق می‌نویسد: «مثل دیگر کالاهای مصرفی،
شراکت به درد مصرف فی‌الغور (به کارآموزی یا آمادگی بیشتری نیاز ندارد) و استفاده
اتفاقی بدون جانبداری و بی‌آن‌که زیانی وارد شود، می‌خورد و بیش از هر چیز، کاملاً
یکبار مصرف و دورانداختنی است» (باومن، ۱۳۹۲: ۳۷).

پیامد این امر، نداشتن دلبستگی است؛ زیرا در عشق مدرن، افراد می‌آموزند که تعهد،
بویژه تعهد بلندمدت، دامی است که باید بیش از هر خطری از آن دوری گزید؛ بنابراین
تعریف عشق رمانتیک، به صورت «تا هنگامی که مرگ ما را از هم جدا کند»، قطعاً از
رونق افتاده است (همان: ۱۷ و ۲۴). زرویی این صفت را نیز برای عشق‌های مدرن
برشمرده است. برخلاف عشق رمانتیک، در عشق مدرن، عدم تعهد در رابطه وجود دارد و
عاشق فقط به یک معشوق پایبند نیست:

دوره‌ای تازه شد نمایانگر دوره این نشد، یکی دیگر
تا که شد وضع کار و بار چکی کهنه شد آن خدا و یار، یکی
(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۳۵۰)

در عشق مدرن، به سبب نبودن دلبستگی و نداشتن تعهد به یک نفر، عاشق و معشوق به راحتی یکدیگر را ترک می‌کنند، بدون این که خدشه‌ای بر احساسات آنان وارد شود. در این دوره، پس از قطع شدن رابطه عاشقانه، دو سوی این رابطه، به زندگی عادی خود می‌پردازند و این امر بر احساسات آنان، هیچ تأثیری نمی‌گذارد؛ زیرا فاصله را در رابطه حفظ می‌کنند و درها را برای ماندن یا رفتن باز می‌گذارند. زرویی با استفاده از واژگان، ترکیبات کنایی و عامیانه پشت‌پازدن و ککشان‌نگزیدن و تشبیه معشوق به زاپاس، با طنز به انتقاد از این موضوع پرداخته است:

هیچ از این پشت پا به عشق زدن ککشان هم نمی‌گزد ابداً
چون که دارند یار با احساس دو سه تا توی قلب‌شان، زاپاس
(همان: ۳۶۶)

۳-۲-۱-۳- قابل عرضه و انتقال بودن عشق

از نظر زرویی، عشق را می‌توان در بازار عاشقی عرضه کرد و چون اوراق بورس، آن را به دیگران انتقال داد. بازتاب این نگرش، نشان‌دهنده شکل‌گیری استعاره مفهومی «عشق به مثابه کالایی قابل خرید و فروش» است. زرویی برای بیان طنزآمیز کردن این موضوع و انتقاد از آن، از ابزار تشبیه و یکسان‌سازی استفاده کرده و با در کنار هم قرار دادن دو امر متضاد، یعنی ماندن کردن عشق به عنوان امری معنوی، به کالاها (امور مادی)، اشعار طنزآمیز و خنده‌آوری سروده است؛ چنانکه در نمونه زیر با تشبیه عشق به اوراق بورس و قرضه، با تحقیر و زشت‌انگاری، به انتقاد از عشق مدرن پرداخته است:

مثل اوراق بورس یا قرضه می‌شود توی باجه‌ها عرضه
قابل انتقال و اضمحلال از دو ساعت گرفته تا یک سال
(همان: ۳۶۳)

۳-۲-۱-۴- عرضه عشق در مدل‌های رنگارنگ

زرویی برای توصیف یکی دیگر از ویژگی‌های عشق مدرن، از استعاره مفهومی «عشق به مثابه کالایی رنگارنگ و مدل‌دار»، استفاده کرده است. از نظر زرویی همان‌گونه که در بازار برای جلب نظر خریدار، کالاهای رنگارنگ و مد روز عرضه می‌گردد، در بازار عشق‌ورزی نیز عشق، در مدل‌ها و رنگ‌های جدید، خرید و فروش می‌شود:
در مدل‌ها و رنگ‌های جدید غالباً، قابل فروش و خرید
(همان: ۳۶۳)

۳-۲-۲- نقش ابزار مدرن و روابط بین عاشق و معشوق

از ویژگی‌های جامعه مدرن که گیدنز نیز به آن اشاره کرده، جدایی مکان از فضا است که این امر در پی اختراعات جدید و انتشار آنها ایجاد شده است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۶). این امر بر روابط اشخاص بویژه نوع عشق‌ورزی آنان تأثیر گذاشته است؛ به گونه‌ای که دیگر نیاز نیست عاشق و معشوق در یک مکان حضور فیزیکی داشته باشند، بلکه ابزاری مانند تلفن‌های ثابت و همراه، سبب شده است تا عاشق و معشوق در دو مکان، جدای از هم، اما در کنار هم باشند و به راحتی با هم ارتباط برقرار کنند:
این زمان کرده راه را کوتاه تلفن‌های ثابت و همراه
نامه خویش را به جز ادبا ندهد هیچ کس به باد صبا
(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۳۶۳)

این تغییر در ابزار ارتباط، سبب شده است که هزینه عاشق‌شدن نیز کم شود:
عشق بی‌سیم و بی‌نیاز از کابل وانگهی کم هزینه و پرتابل
(همان: ۳۶۲)

از جمله شگردهای ایجاد طنز موقعیت، کنار هم قرار دادن دو عنصر متضاد مانند سنت و مدرنیته است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۳۴). زرویی نیز با مقایسه شیوه ارتباط بین عشق‌ورزی در دوران سنت و مدرن و استفاده از نام عاشق و معشوق‌های سنتی در بافت مدرن، بر طنز شعر خود افزوده است:

نامه مجنون به حضور لیلی می‌رسه اینترنتی و ایمیلی
شیرین می‌ره می‌شینه پیش فرهاد روی چمن تو پارک بهجت‌آباد
زلفای رودابه دیگه بلند نیست پله که هست نیازی به کمند نیست
(همان: ۱۹۶)

۳-۲-۳- نقش دختران در شکل‌گیری عشق

برخلاف داستان‌های عاشقانه در فرهنگ سنتی که دختران نقش منفعلی داشتند، در عشق مدرن، دختران هستند که نقش اصلی و فعال را در شکل‌گیری روابط عاشقانه دارند. زرویی صحنه عشق‌ورزی را چون صحنه شکار می‌داند که دختران در این صحنه، تیر عشق را پرتاب می‌کنند و بدین ترتیب، عشق دوسویه شکل می‌گیرد. زرویی برای طنزآمیز کردن این موضوع، از ظرفیت واژگان محاوره‌ای مانند سیخ به معنی صاف، درست و دقیق استفاده کرده است:

ناگهان دختری بدون خشاب می‌کند تیر عشق را پرتاب
غالباً تیر عشق آن دختر می‌خورد سیخ توی قلب پسر
می‌کند عشق در دلش ریشه نطفه عشق منعقد می‌شه
(همان: ۳۶۵)

۳-۲-۴- عشق و ازدواج در دوران مدرنیته

پیوند دادن عشق و ازدواج، موضوع تازه‌ای نیست؛ اما چیزی که در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم و تا اندازه‌ای امروز متفاوت بود و هست، ایدئولوژی کلی است. بستر فلسفی که با دیدگاه رمانتیک درباره ازدواج و عشق همراه است (سینگر، ۱۳۹۷: ۹۳). با ورود مدرنیته به جامعه ایرانی، نگرش به ازدواج تغییر کرد و عشق مبنای آن قرار گرفت. بدین گونه که رابطه عاشقانه بین پسر/دختر شکل می‌گیرد و پسر یا دختر، از دیگری خواستگاری می‌کنند. زرویی با بازتاب این نوع ازدواج‌ها، نشان داده است که عاشق، تصویری آرمانی از معشوق ندارد و اگر معشوق پاسخ منفی بدهد، عاشق به سوی فرد دیگری می‌رود و حتی به زشت‌انگاری و کوچک‌کردن معشوق می‌پردازد:

اگر جواب نه بیاد تو نامه‌ت	خلاصه قهر، قهر تا قیامت
فدای اون که نه نمی‌گه می‌شم	عاشق یک دختر دیگه می‌شم
تو بی‌لیاقتی اگر بگی نه	اند حماقتی اگر بگی نه
بین تو آینه، آخه این چه ریخته؟	مثل تو صلتا توی کوچه ریخته!
تو خانمی تو خوشگلی؟ چه حرفا...	حرف زیاد نزن، برو بینیم باااا...

(زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

در دوران مدرن، از نظر زرویی، فرد هنگام عاشق شدن، باید درنگ کند و زود به فکر ازدواج نیفتد؛ چرا که ازدواج سبب می‌شود فرد، زود، شکوه خود را از دست بدهد. وی به روایت زندگی پهلوانی بی‌همتا می‌پردازد که بعد از عاشق شدن، میدان جنگ را رها می‌کند و سلحشور آشپزخانه می‌شود:

بعد عمری نبرد مردانه	شد سلحشور آشپزخانه
وز پس عشق نابهنگامی	از شکوهش نماند جز نامی
نیست در عشق نام و پول و پله	پسرم بی‌خودی نکن عجله

(همان: ۳۵۶)

۳-۳- عشق تقطیری (التقاطی)؛ ترکیب عشق سنتی و مدرن

رویکرد دیگری که زرویی به توصیف آن در جامعه ایرانی پرداخته، رویکرد تلفیقی که خود شاعر، آن را عشق تقطیری نامیده است. در این شیوه، کوشیده شده است تا بر اساس ویژگی‌ها مثبت سنت و مدرنیته عمل شود:

تازه در طی سال‌های اخیر	با گرفتاری و ببند و بگیر
بعضاً از عشق استفاده شده	نصف حیثیتش اعاده شده
شد به فرمول و ساختار جدید	نوعی از عشق کم ضرر، تولید
نام آن عشق پاک تقطیری	متبرک به نقش ایزیری

(همان)

در این نوع عشق‌ورزی، متأثر از نگرش مدرن، دختر و پسر، پیش از ازدواج با هم رابطه عاشقانه دارند؛ اما بر اساس نگرش سنتی، آنان می‌کوشند عفت، حجب و حیا را رعایت کنند و در حالی که از آتش عشق می‌سوزند، به هم نمی‌نگرند و کاری خلاف اصول و قواعد اخلاقی انجام نمی‌دهند:

اندر این عشق، هر دو دل‌داده	در خیابان و کوچه و جاده
وقت صحبت ز شرم و بالاجبار	با زمین حرف می‌زنند انگار
گرچه در تاب عشق می‌سوزند	چشم در چشم هم نمی‌دوزند

(همان: ۳۵۴)

زرویی از این نوع عشق نیز انتقاد می‌کند؛ زیرا با وجود پاک و بی‌آلایش بودن، مانند محصولات مصنوعی مزه‌ای آبکی دارد:

می‌توان مطمئن خرید که هست استریلیزه بی‌دخالت دست
گرچه پاک است و خوب و بی‌آزار مزه‌اش آبکی است یک مقدار
(همان: ۳۵۳)

زرویی نصرآباد در زمینه ازدواج نیز بیان می‌کند که متأثر از اندیشه‌های مدرن، ابتدا عشق بین دختر و پسر شکل می‌گیرد و سپس بزرگترها به خواستگاری می‌روند. از آنجا که دوام این نوع عشق بیشتر است، بازنمایی آن در شعر زرویی، با خوب‌نمایی همراه بوده است:

پسری در میان شهر و محل دختری را نشان کند به مثل
نرم و آرام و زیرچشمی خوب می‌زند زاغ دخترک را چوب
بعد از آن پرس‌وجو که مرد جوان رسد از هر جهت به اطمینان
کند از نقشه‌ای که زد بر سرش درد دل پیش مادر و پدرش
بعد تصویب و اتفاق نظر خواستگاری کنند از دختر
عمر این عشق‌ها که دیده شده تا به صد سال هم شنیده شده
گرچه خام است یا که عام‌تر است جنس این عشق با دوام‌تر است
(همان: ۳۵۹-۳۶۰)

۴- نتیجه‌گیری

زرویی نصرآباد، از جمله شاعران طنزپرداز است که با نگاهی انتقادی، سه گونه عشق: عشق سنتی، مدرن و تقطیری را در شعر خود بازتاب داده است. از نظر زرویی، عشق سنتی که در فرهنگ گذشته ایرانی رایج بود و در دوره معاصر نیز افرادی بر اساس آن عمل می‌کنند، با وجود داشتن ویژگی‌های مثبتی مانند وجود حجب و حیا در روابط بین عاشق و معشوق، داشتن اصالت، صفا و یکرنگی، ساده‌بودن و دلبستگی به یک معشوق

داشتن، به سبب ویژگی‌هایی مانند وجود نگرش منفی به عشق در ازدواج، پایان تلخ داستان‌های عاشقانه سنتی، دل‌بستگی بیمارگونه داشتن عاشق به معشوق و نامفهوم‌بودن عشق سنتی برای نسل امروز، آن را قابل انتقاد دانسته است.

وی با استفاده از استعاره مفهومی «عشق‌ورزی، بازار و عشق، کالاست»، ویژگی‌های عشق مدرن را ترسیم کرده است؛ این که عاشق به یک معشوق دل‌بستگی ندارد و مانند داشتن نمونه‌های مختلف و مد روز از یک کالا، چند معشوق دارد؛ عشق مانند کالا، دارای تاریخ مصرف است، می‌توان آن را در مدل‌های رنگارنگ عرضه نمود، تعویض کرد یا انتقال و تغییر داد. همچنین در دوران معاصر، به سبب جدایی مکان از فضا و زمان، ارتباط بین عاشق و معشوق، از طریق وسایل ارتباطی ساده‌تر شده و هرچند در این دوره، عشق مبنای ازدواج قرار گرفته است، چون عاشق و معشوق دل‌بستگی چندانی به هم ندارند، پاسخ منفی دادن معشوق، چندان بر احساسات عاشق تأثیر نمی‌گذارد.

زرویی بر این باور است که در رویکرد تلفیقی به عشق -عشق تقطیری- با وجود برخی از ضعف‌ها، این رویکرد می‌توان مبنای ازدواج قرار گیرد؛ زیرا شکل‌گیری ازدواج بر اساس آن، نسبت به عشق مدرن، پایداری بیشتری دارد. رویکرد زرویی به این سه گونه عشق متفاوت بوده است. از آنجا که الگوی عشق‌ورزی به شیوه مدرن در شعر وی، بیشتر با «بدنمایی» همراه است، می‌توان گفت نگرش شاعر به این گونه عشق، منفی است؛ اما الگوی سنتی و تلفیقی (تقطیری) در شعر او بیشتر از الگوی مدرن با «خوب‌نمایی» همراه بوده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد شاعر به این دو، تقریباً مثبت بوده است؛ هرچند که با دیدی انتقادی به این دو گونه به ویژه عشق سنتی می‌نگرد.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۲. باباصفیری، علی‌اصغر (۱۳۹۲)، فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. باومن، زیگمونت (۱۳۹۲)، عشق سیال در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۴. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۴)، در سایه آفتاب: شعر فارسی و ساخت‌شکنی در شعر مولوی، تهران: نشر سخن.
۵. حری، ابوالفضل (۱۳۸۷)، درباره طنز: رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۶. دهقانی، محمد (۱۳۷۷)، وسوسه عاشقی: بررسی تحوّل عشق در ادب پارسی، بی‌جا: برنامه.
۷. راپاپورت، الیزابت (۱۳۹۸)، «درباره آینده عشق: روسو و فمینیست‌های رادیکال»، درباره عشق، مترجم آرش نراقی، تهران، نشر نی، صص ۲۳۳-۲۶۱.
۸. زرویی نصرآباد، ابوالفضل (۱۳۸۹)، رفوزه‌ها، تهران: کتاب نیستان.
۹. ستاری، جلال (۱۳۸۸)، سیمای زن در فرهنگ ایران، تهران: نشر مرکز.
۱۰. سلیمانی، محسن (۱۳۹۱)، اسرار و ابزار طنزنویسی، تهران: سوره مهر.
۱۱. سینگر، اروینگ (۱۳۹۷)، فلسفه عشق، ترجمه میثم محمد امینی، تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمد‌رضا (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.

۱۳. عبدی، عباس (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: نشر نی.
۱۴. غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: آگرا و لویه.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۱۶. مختاری، محمد (۱۳۹۸)، هفتاد سال عاشقانه، تهران: فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم.
۱۷. نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۸)، اسطوره‌کاوی عشق در فرهنگ ایرانی، تهران: سخن.

ب) مقالات

۱. آقابابایی، احسان و کیانپور، مسعود (۱۳۹۵)، «بازنمایی کالایی شدن احساسات در روابط اجتماعی (مورد مطالعه: فیلم سینمایی آرایش غلیظ)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره ۴، صص ۱۹-۳۰.
۲. پراکنده، مریم و همکاران (۱۳۹۹)، «شیوه‌های طنزپردازی ابوالفضل زرویی نصرآباد در «رفوزه‌ها»»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۲۷-۴۲.
۳. پوردهقان اردکان، رضا و همکاران (۱۳۹۹)، «سبک‌شناسی آثار طنز ابوالفضل زرویی نصرآباد»، سبک‌شناسی نظم و نثر، دوره ۱۳، شماره ۱ (۴۷)، صص ۱-۱۸.
۴. _____ (۱۳۹۸)، «سبک‌شناسی نقیضه در آثار طنز زرویی نصرآباد» کاوش‌نامه، سال ۲۰، شماره ۴۱، صص ۷۱-۱۰۰.
۵. ربّانی خوراسگانی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی احساسات»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۳۵-۶۴.

۶. زارع‌چیرهنده، سارا و پیروز، غلامرضا (۱۳۹۶)، «جلوه‌هایی از عشق مدرن در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و نادر نادرپور)، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ۱۵، شماره ۲۸، صص ۱۱۷-۱۴۰.

۷. شادرو منش، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۷)، «ریشه‌های اجتماعی تحوّل مفهوم عشق در شعر ایران بررسی جامعه‌شناختی تحوّل مفهوم عشق در نه دفتر عاشقانه دهه ۸۰»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۰، شماره اول، ۱-۳۶.

۸. عباس‌زاده، محمد و همکاران (۱۳۹۳)، «مدیریت احساسات گامی در راستای توسعه جامعه‌شناسی احساسات»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۷-۳۳.

۹. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۷)، ترس و تجدّد؛ صورت‌بندی مسأله ترس و ناامنی در ایران معاصر»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۷-۴۴.

۱۰. قیصریان، اسحاق (۱۳۹۶)، «مطالعه عشق از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و زبان‌شناسی؛ ارائه یک نظریه ترکیبی»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۲۸، صص ۵۵-۸۲.

۱۱. وکیلی، شروین (۱۳۸۳)، «دگردیسی صمیمیت»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۸۹، صص ۷۱-۷۵.

ج) پایان‌نامه

۱. پریدل، حمیده (۱۳۹۱)، بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام، ابوالفضل زرویی نصرآباد و خلیل جوادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مهدی خادمی کولایی، دانشگاه پیام نور مازندران.

۲. حدادی، بهمن (۱۳۹۳)، بررسی و مقایسه طنز منظوم ابوالقاسم حالت، ابوالفضل زرویی و اکبر اکسیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر میرجلیل اکرمی، دانشگاه تبریز.

۳. دهستانی بافقی، شهلا (۱۳۹۴)، ساختار زبانی و محتوایی کتاب رفوزه‌ها ابوالفضل زرویی نصرآباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر سهیلا صلاحی مقدم، دانشگاه الزهراء (س).

۴. شیخی، یحیی (۱۳۹۶)، بررسی طنز ده ۸۰ با تکیه بر آثار کیومرث صابری، عمران صلاحی، ابوالفضل زرویی و اکبر اکسیر، رساله دکتری به راهنمایی دکتر احمد غنی‌پور ملک‌شاه، دانشگاه مازندران.